



University of Tabriz

Contemporary Comparative Legal Studies

Online ISSN: 2821-0514

Volum: 16 Issue: 38

Spring 2025

Article Type: Research Article

Pages: 165-197

The Impact of Class Mobility on Delinquency in Iran

Hamed Mosayyebzadeh¹| Seyyed Mahoud Mirkhalili²| Mohammadjavad Fathi³|
Shahrdad Darabi⁴

1. Ph.D Candidate in Criminal Law and Criminology, University of Tehran Aras International Campus, Iran (Corresponding Author) mosayyebzade@gmail.com
2. Professor, Department of Law, University of Tehran, Iran mirkhalili@ut.ac.ir
3. Associate Professor, Department of Law, University of Tehran, Iran mjfathi@ut.ac.ir
4. Associate Professor, Department of Law, Islamic Azad University, Qom Branch, Iran shahrdad.darabi@iau.ir

Abstract

Class gap is one of the most important social and criminological issues. It is one of the important factors affecting crime. Transfer of people to another class or their efforts to stay in one class has a significant effect on committing crimes. Class mobility is the process of changing within a class and moving from one class status to another - either up or down. The author seeks to find solutions to answer why and how class mobility affects delinquency in Iran. The basic question of the article is, what is the process of the influence of class mobility on delinquency in Iran? In response, the basic hypothesis is that the presence of a strong motivation to move up in the social classes and the lack of necessary legal facilities from an economic, social, and cultural point of view provide grounds for committing crimes. The factors that create the basis for crime in Iran, including the chaotic socio-economic situation and the administrative system, the confusion of social classes due to the excessive increase in inflation and the devaluation of the national currency, and the spread of marginalization, are the result of class movements in Iran and has had a significant impact on the crime caused by the confusion of social classes and has also led to the occurrence of economic, financial and administrative corruption such as theft, fraud, embezzlement and currency-related crimes. Class mobility directly targets economic-financial platforms before targeting other social areas. However, it may indirectly affect the progressive rate of crimes against security and comfort or crimes against the physical integrity of citizens. Merton's pressure theory justifies the corresponding rate of crime in Iranian society, and among all the factors, the inconsistency between the legal means and goals of society is considered the most important factor in the direction towards crime.

Keywords: social Mobility, Class Mobility, Delinquency, Iran, Crime.

Received: 2024/07/14

Received in revised form: 2025/02/13

Accepted: 2025/02/25

Published: 2025/06/07

DOI: 10.22034/law.2025.61227.3399

Publisher: University of Tabriz

law@tabrizu.ac.ir





تأثیر تحرک طبقاتی بر بزهکاری در ایران

حامد مسیب‌زاده^۱ | سید محمود میرخلیلی^۲ | محمدجواد فتحی^۳ | شهرداد دارابی^۴

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی پردیس بین‌المللی ارس دانشگاه تهران، ایران (نویسنده مسئول)

mosayyebzade@gmail.com

mirkhalili@ut.ac.ir

mjfatih@ut.ac.ir

shahrdad.darabi@iau.ir

۲. استاد گروه حقوق دانشگاه تهران، ایران

۳. دانشیار گروه حقوق دانشگاه تهران، ایران

۴. دانشیار گروه حقوق دانشگاه آزا اسلامی، واحد قم، ایران

چکیده

فاصله طبقاتی یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی و جرم‌شناختی است. تحرک طبقاتی ازجمله مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر بر بزهکاری است. تحرک طبقاتی، روند تغییر در یک طبقه و حرکت از یک وضعیت طبقاتی به وضعیت دیگر در مسیری نزولی یا صعودی به‌شمار می‌رود. در این جستار، به یافتن راهکارهایی که بتواند به چرایی و چگونگی تأثیر تحرک طبقاتی بر بزهکاری در جامعه ایران پاسخ درخوری بدهد، همت شده است. از این رو، پرسش اساسی این مقاله این بوده که فرایند تأثیر تحرک طبقاتی بر بزهکاری در جامعه ایران چگونه است؟ در پاسخ، فرضیه اساسی بر این محور قرار داشته که وجود انگیزه قوی برای حرکت طولی در طبقات اجتماعی به سمت بالا و فقدان امکانات و ابزارهای قانونی لازم از جهت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... در راستای این تحرک، موجب فراهم شدن زمینه‌های ارتکاب جرم می‌شود. یافته‌های پژوهش بر این محور قرار دارد که مؤلفه‌های بستر ساز جرم در ایران ازجمله اوضاع نابسامان اجتماعی- اقتصادی و نظام اداری، به‌هم‌ریختگی طبقات اجتماعی ناشی از افزایش بی‌رویه تورم، کاهش ارزش پول ملی و گسترش حاشیه‌نشینی، برآیند تحرکات طبقاتی در ایران بوده و بر بزهکاری ناشی از به‌هم‌ریختگی طبقات اجتماعی تأثیر بسزایی داشته و رخداد جرایم اقتصادی، مالی و فساد اداری همچون سرقت، کلاهبرداری، اختلاس و جرایم مربوط به حوزه ارز را نیز به‌دنبال داشته است؛ زیرا تحرک طبقاتی پیش از آنکه سایر حوزه‌های اجتماعی را آماج قرار دهد، مستقیماً بسترهای اقتصادی- مالی را نشانه می‌گیرد؛ هرچند که به تبع آن و غیرمستقیم ممکن است بر سیر تصاعدی نرخ جرایم ضد امنیت و آسایش یا جرایم علیه تمامیت جسمانی شهروندان اثر بگذارد. همچنین نظریه فشار مرتن به میزان زیادی رویداد جرایم در جامعه ایران را توجیه می‌نماید و از بین تمام مؤلفه‌ها، ناهماهنگی میان ابزارها و هدف‌های قانونی جامعه، عمده‌ترین مؤلفه در جهت‌گیری به سمت جرم قلمداد می‌شوند.

واژگان کلیدی: ایران، بزهکاری، تحرک اجتماعی، تحرک طبقاتی، جرم.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۳/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۲۴

DOI: 10.22034/law.2025.61227.3399



law@tabrizu.ac.ir

ناشر: دانشگاه تبریز



مقدمه

رابطه میان منشأ طبقاتی و مقصد طبقاتی، پرسش محوری در مورد عدالت در جامعه معاصر است.^۱ امکان گذار آزادانه افراد و گروه‌ها از جایگاهی به جایگاه دیگر در جامعه یا «تحرک اجتماعی» و امکان ارتقای کارکنان سازمان‌ها و نهادهای به موقعیت، مرتبه و منصب بالاتر یا «تحرک شغلی»، همواره در جامعه و سازمان‌های دولتی با عوامل بازدارنده‌ای روبه‌رو بوده‌اند.^۲ با توجه به اهمیت تحلیل طبقاتی در درک مسائل اجتماعی، از این سطح تحلیل به‌عنوان عامل مهمی در نگرش اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه استفاده می‌شود. تحرک اجتماعی صعودی یا نزولی در ساخت طبقاتی معمول نیست. تفاوت‌های اقتصادی میان گروه‌بندی‌های افراد و میزان تملک و کنترل منابع مادی در تعریف طبقات اجتماعی مؤثرند. طبقات اقتصادی معمولاً از طریق میزان برخورداری از ثروت یا متوسط درآمد تفکیک می‌شوند.^۳

اقتصادهایی که تحرک اجتماعی بیشتری دارند، فرصت‌های فراوانی یعنی یک جایگاه برابر و شایسته‌سالارانه صرف‌نظر از پیشینه اجتماعی-اقتصادی، موقعیت جغرافیایی، جنسیت یا منشأ را فراهم می‌کنند. تحرک اجتماعی کم، نابرابری‌های تاریخی و بالاتر را تقویت می‌کند و نابرابری‌های درآمدی باعث تحرک اجتماعی کمتر می‌شود. افزایش تحرک اجتماعی می‌تواند این چرخه معیوب را به یک چرخه بافضیلت تبدیل کند و تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی گسترده‌تر داشته باشد.^۴

تحرک اجتماعی و به تبع آن، تحرک طبقاتی، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر بر بزهکاری است. تحرک و جابه‌جایی افراد به طبقه دیگر و یا تلاش آنها برای ماندن در یک طبقه، تأثیر بسزایی بر ارتکاب انواع گوناگون جرایم دارد. تحرک طبقاتی ناظر به تغییرات وضعیت تعلق

1. Daniel Laurison, D. Dow, and C. Chernoff. "Class Mobility and Reproduction for Black and White Adults in the United States: A Visualization". Socius: Sociological Research for a Dynamic World (2020).

۲. حمید تنکابنی، «موانع تحرک اجتماعی و تأثیرات آن در تحرک شغلی کارکنان سازمانهای دولتی و پیامدهای آن»، جامعه‌پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ش ۳ (۱۳۹۲)، ص ۱.

3. Rahim Baizidi, "Paradoxical Class: Paradox of Interest in Middle Class and Political Conservatism", Asian Journal of Political Science, Issue 3, (2019).

4. The Global Social Mobility Report, January (2020), p. 5.

طبقاتی افراد در جوامع است. انگیزه افراد برای ارتقای موقعیت اجتماعی و حرکت به طبقه اجتماعی بالاتر در جوامع مختلف متفاوت است که این مهم در جامعه ایران به طور جدی وجود دارد. وجود انگیزه قوی برای حرکت طولی در طبقات اجتماعی به سمت بالا و فقدان امکانات و ابزارهای قانونی لازم از جهت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... در راستای این تحرک، موجب فراهم شدن زمینه‌های ارتکاب جرم می‌شود.^۵ فرایندهای تحرک ممکن است پیامدهای مهمی برای سطوح قطبی شدن طبقاتی داشته باشد.^۶

تحرک طبقاتی، روند تغییر در یک طبقه یا حرکت از یک وضعیت طبقاتی به وضعیت دیگر در مسیری نزولی یا صعودی به شمار می‌رود. این رویکرد، مسیر افراد را در طول زمان برای سنجش تحرک نسبی طبقاتی هموار می‌کند. در تحرک طبقاتی تغییر طبقه‌ای وجود دارد؛ یعنی فرد پس از کسب شایستگی‌های لازم همراه با تلاش و کوشش فراوان و پس از سال‌ها فعالیت، وارد طبقه اجتماعی بالاتر می‌شود. تغییر طبقه، همواره به این آسانی و از راه‌های قانونی و مشروع صورت نمی‌پذیرد و فرد گاه برای تغییر طبقه یا حتی ماندن در طبقه فعلی خود، مرتکب جرم می‌شود. اندازه تحرک عمودی در جامعه، شاخص مهمی برای میزان «باز بودن» آن جامعه است؛ یعنی نشان می‌دهد که افراد باهوش و با استعداد که در قشرهای پایین جامعه به دنیا می‌آیند، تا چه حد می‌توانند بدون توسل به کج‌روی و ارتکاب جرم، از نردبان اقتصادی-اجتماعی بالا روند.

مرتن^۷ در نظریه فشار خود بر تأثیر ساختارهای اجتماعی در تبیین مسائل اجتماعی تأکید می‌نماید و بر این باور است که فشارهای کلان ساختاری، با متغیرهای خرد محیطی ترکیب و تعدیل شده، فرد به ترکیبی از این متغیرها واکنش رفتاری نشان می‌دهد. در این راستا، جامعه فرد را به کج‌رفتاری و رفتار نابهنجار وادار می‌کند. به نظر مرتن، جوامع صنعتی جدید بر توفیقات مادی در زندگی تأکید دارند که به شکل انباشت ثروت و تحصیلات علمی به عنوان مهم‌ترین اهداف زندگی شخصی و معیارهای منزلت اجتماعی تجلی می‌یابد. دستیابی به این اهداف مقبول اجتماعی، نیاز به ابزارهای قابل قبولی دارد که البته از دسترس جمعی از افراد جامعه خارج است.

5. *Ibid*, p. 9.

6. De Graaf, Nan Dirk, Paul Nieuwbeerta & Heath. Anthony, "Class Mobility and Political Preferences: Individual and Contextual Effects". Nuffield College, *Article in American Journal of Sociology*, (1995), p. 998.

7. Robert K. Merton



به عبارت دیگر، ساختار جامعه به گونه‌ای است که طبقات فرودست فرصت‌های کمتری برای تحقق آرزوهای خود پیدا می‌کنند. در نتیجه، چون این اهداف به آرمان‌های اصلی زندگی همه افراد جامعه - چه فقیر و چه غنی - تبدیل شده است، کسی هم که دسترسی به ابزار مشروع ندارد تحت فشار جامعه برای دستیابی به آن اهداف از ابزار نامشروع استفاده می‌کند.^۸

طبقه در جرم‌شناسی انتقادی به مسئله اقتصاد سیاسی جرم در بستر فرایند تولید تمرکز می‌کند. نابرابری طبقه‌مدار به مثابه یکی از حقایق زندگی اجتماعی به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن طبقه فرادست، قشر فرودست را در حوزه‌های مختلف به حاشیه رانده، طرد می‌کند یا نادیده می‌گیرد. از آنجا که جرم‌شناسی انتقادی، جرم را محصول بسترهای اقتصادی و اجتماعی نامتوازن می‌داند، از یک سو، رابطه میان طبقه، جرم و کنترل اجتماعی را بررسی می‌کند و از سوی دیگر، درصدد تبیین نقش نظام‌های طبقاتی در ایجاد محیط‌های جرم‌زا است.^۹ بر اساس رویکردهای انتقادی، نابرابری اجتماعی به مثابه یکی از علت‌های اصلی ارتکاب جرم، محصول بی‌عدالتی و تبعیض اجتماعی است. هم‌گرایی میان نابرابری، طبقه‌گرایی و جرم در جرم‌شناسی انتقادی نشان می‌دهد که ارتکاب جرم در قشر فرودست بیش از آنکه ناشی از حالت خطرناک باشد، نتیجه ساختارهای جرم‌زا است.^{۱۰}

جرم‌شناسی انتقادی به تحلیل اقتصاد سیاسی جرم - انحراف و تبیین رابطه میان ساختار اجتماعی نظام‌های سرمایه‌داری و رفتارهای بزهکارانه می‌پردازد؛^{۱۱} بنابراین در رویکردهای انتقادی، جرم یک رفتار ساده و ناقض قانون نیست، بلکه مفهومی است که از طریق فرایندهای تعامل محور، واکنش اجتماعی و قدرت برساخته می‌شود.^{۱۲} به همین دلیل، جرم‌شناسان انتقادی بر این نکته تأکید می‌کنند که هدف ابتدایی عدالت کیفری در نظام جرم‌انگاری، طبقات فرودست اجتماعی و اقتصادی هستند.^{۱۳}

۸. مهدی جلیلیان و سعید عطازاده، «تحلیل جرم‌شناختی جرایم اقتصادی»، پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، ش ۱ (۱۳۹۳)، ص ۱۳۹.
 ۹. حمیدرضا دانش ناری؛ پوریا خسروی و فاطمه جمعه‌گی، «ارزیابی مفهوم طبقه اجتماعی در جرم‌شناسی انتقادی: تحلیل محتوای کیفی فیلم پلتفرم»، پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ش ۲۱ (۱۴۰۲)، ص ۱۶۹.
 ۱۰. حمیدرضا دانش ناری و زینب خواجوی فخرآلود، «نابرابری اجتماعی و جرم: رمزگشایی یک انقلاب در فیلم برف‌شکن»، حقوق کیفری، ش ۱ (۱۴۰۳)، ص ۷۵.

11. Walter S. DeKeseredy, *Contemporary Critical Criminology* (London: Routledge, (2021), p. 3.

12. John Muncie, *Youth and Crime* (SAGE Publications, (2004), p. 145.

13. Martin D. Schwartz & Walter S. DeKeseredy, "Interpersonal Violence Against Women: The Role of Men", *Journal of Contemporary Criminal Justice* 24 (2008), p. 179.

در جرم‌شناسی انتقادی قشر فرودست جامعه ذاتاً مجرم نیست، بلکه ساختار طبقاتی جامعه و توزیع نابرابر ثروت از مهم‌ترین دلایل ارتکاب جرم از سوی این افراد است.^{۱۴}

نابرابری طبقاتی ویژگی ذاتی نظام سرمایه‌داری است، زیرا حفظ جامعه سرمایه‌داری وابسته به حفظ فاصله طبقاتی میان طبقات فرادست و فرودست است. این امر که موجب طبقاتی شدن جامعه در نظام سرمایه‌داری شده، در عمل باعث می‌شود تا در نظام سرمایه‌داری، طبقه حاکم روز به روز ثروتمندتر و قدرتمندتر و طبقات فرودست روز به روز فقیرتر شوند.^{۱۵} بر این اساس، ارتکاب جرم از سوی طبقات فرودست جامعه محصول شرایطی است که نظام سرمایه‌داری ایجاد کرده است. به همین دلیل، جرم‌شناسان منتقد علت اصلی ارتکاب جرم را نابرابری طبقه‌ای در نظر می‌گیرند و بر این باورند که نابرابری ساختارهای اجتماعی به‌عنوان یک متغیر جرم‌زا نقش کلیدی در ارتکاب جرایم طبقه فرودست دارد.^{۱۶}

از نظر جرم‌شناسان انتقادی، بزهکاری یکی از محصولات نظام سرمایه‌داری و به‌مثابه واکنشی علیه نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی است.^{۱۷} به همین دلیل، نظریه‌پردازان انتقادی به جای تبیین چگونگی تأثیر نیروهای خارجی و سیاسی بر محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی، بر این باورند که فقرا برخلاف افراد طبقه فرادست به دلایلی چون فقدان صلاحیت و اصول اخلاقی جهت فراگیری آموزش و پرورش، دستیابی به مشاغل، تسلیم شدن در برابر نیازها و ... فقیر هستند.^{۱۸} همین امر سبب شده که عنوان شود جرم‌شناسی انتقادی معتقد است که برای کنترل جرم، بایسته است پیگیر تغییر وضع اجتماعی موجود بود، نه تحلیل آن.^{۱۹}

در جامعه شهری ایران تحرک شغلی رایج است. عامل مهم نیز وضع تحصیلی افراد است.

14. Paul E. Willis, *Learning to Labour: How Working Class Kids Get Working Class Jobs* (New York, NY: Columbia University Press, (1977), p. 43.

۱۵. اسماعیل رحیمی‌نژاد، رویکردهای نوین در جرم‌شناسی انتقادی و سیاست جنایی، (تهران: مجد، ۱۳۹۷)، ص ۱۶.

16. Richard Quinney, "Crime Control in Capitalist Society: A Critical Philosophy of Legal Order", *Issues Criminology* 75 (1973), p. 79.

۱۷. ریمون گسن، مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی، ترجمه و تحقیق: سید مهدی کی‌نیا (تهران: علامه طباطبائی، ۱۳۷۰)، ص ۱۳۴.

18. I Carbone and A Steven, "Race, Class, and Oppression: Solutions for Active Learning and Literacy in the Classroom" *Inquiries Journal*, 01 (2010), p. 2. <http://www.inquiriesjournal.com/a?id=1689>.

۱۹. علی‌حسین نجفی ابرندآبادی و حسین گلدوزیان، «جرم‌شناسی پست مدرن و رویکرد آن به جرم و علت‌شناسی جنایی»، *حقوق کیفری*، ش ۲۳ (۱۳۹۷)، ص ۱۲.



بین تحرک شغلی، تحصیلات فرد، تحصیلات پدر، منزلت شغل پدر و منزلت اولین شغل فرد رابطه مستقیم وجود دارد. عوامل عمده تحرک اجتماعی عبارت‌اند از منشأ جغرافیایی روستایی یا شهری، میزان تحصیلات، منزلت شغلی، سن ازدواج و پایگاه طبقاتی فرد و پدرش.^{۲۰} در جامعه شهری فرصت برای تحرک طبقاتی کمتر و محدودتر است. البته تحرک نزولی در بین طبقات بالا نیز عمومیت یافته، عواملی نظیر شیوه ارث‌بری اسلامی و عدم ثبات اقتصادی در این امر دخیل است. سطح تحصیلات از عوامل مهم است. تأثیر تحصیل به ویژه بر تحرک اجتماعی زنان در مقایسه با مردان بیشتر است.^{۲۱}

یافته‌های پژوهش بر این محور قرار دارد که مؤلفه‌های بستر ساز جرم در ایران، از جمله اوضاع نابسامان اجتماعی-اقتصادی، نظام اداری و به هم ریختگی طبقات اجتماعی ناشی از افزایش بی‌رویه تورم، کاهش ارزش پول ملی و گسترش حاشیه‌نشینی، برآیند تحرکات طبقاتی در ایران بوده و بر بزهکاری ناشی از به هم ریختگی طبقات اجتماعی تأثیر بسزایی داشته و رخداد جرایم اقتصادی، مالی و فساد اداری همچون سرقت، کلاهبرداری، اختلاس و جرایم مربوط به حوزه ارز را نیز به دنبال داشته است؛ زیرا تحرک طبقاتی پیش از آنکه سایر حوزه‌های اجتماعی را آماج قرار دهد، مستقیماً بسترهای اقتصادی-مالی را هدف می‌گیرد. هرچند که به تبع آن و غیرمستقیم ممکن است بر سیر تصاعدی نرخ جرایم ضد امنیت و آسایش یا جرایم علیه تمامیت جسمانی شهروندان اثر گذارد. بنابراین، دغدغه اساسی نویسندگان مقاله این بوده است که با توجه به پژوهش‌های انجام شده بتوانند سرچشمه برخی از مؤلفه‌های کارآمد بر تحرک طبقاتی و نقش آن بر بزهکاری را در جامعه ایران بیابند. در راستای این مهم، برخی مؤلفه‌ها که به نظر می‌رسد در این باره اثرگذار بوده‌اند به این شرح‌اند: حوزه‌های اقتصادی، گسترش حاشیه‌نشینی، اوضاع نابسامان اقتصادی-اجتماعی و فساد اداری.

۲۰. شهلا کاظمی‌پور، «الگوی در تعیین پایگاه اجتماعی-اقتصادی افراد و سنجش تحرک اجتماعی»، نامه علوم اجتماعی، ش ۱۴ (۱۳۷۸)، ص ۱۶۹.

۲۱. صمد کلانتری و محمدسلمان قائمی‌زاده، «تحرک اجتماعی و ساخت طبقاتی: مطالعه موردی: شهر همدان»، جامعه‌شناسی ایران، ش ۴ (۱۳۸۱)، ص ۸۰.

۱. مبنایابی و مفهوم‌شناسی تحرکات اجتماعی و طبقاتی

در اینجا نخست، به تعریف مفاهیمی همچون تحرک اجتماعی، تحرک طبقاتی، رابطه بزه و بزهکاری با تحرک طبقاتی و سپس به چارچوب نظری تحت عنوان تبیین تحرک طبقاتی در پرتو نظریه فشار مرتن و نظریه فشار عمومی آگنیو^{۲۲}، پرداخته می‌شود.

۱.۱. شناخت‌شناسی تحرک اجتماعی

تحرک اجتماعی ناظر به تغییرات وضعیت تعلق طبقاتی افراد در جوامع است. سوروکین را می‌توان پیشاهنگ نظریه‌پردازی در مفهوم تحرک اجتماعی دانست. وی تحرک اجتماعی را جابه‌جا شدن فرد در درون فضای اجتماعی تعریف کرده، میان قشربندی‌های اقتصادی، شغلی، و سیاسی تفاوت می‌گذاشت و استدلال می‌کرد که همبستگی متقابل میان سه شکل از قشربندی کامل نیست^{۲۳}. اساس تأکید سوروکین بر تحرک عمودی و قشربندی اجتماعی بود و باور داشت که در هر نظام اجتماعی، حتی در سخت‌ترین آنها، امکاناتی برای پیشرفت در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی یا شغلی وجود دارد^{۲۴}. تحرک اجتماعی به جابه‌جایی افراد و گروه‌ها در مراتب قشربندی و طبقات اجتماعی اطلاق می‌شود^{۲۵}.

تحرک افقی عبارت است از جابه‌جایی شخص یا یک گروه از یک موقعیت به موقعیت دیگر که از جمله می‌توان به مهاجرت، تغییرات شغلی، عضویت در گروه‌ها و سازمان‌ها اشاره کرد. تحرک عمودی عبارت است از جابه‌جا شدن از یک قشر اجتماعی به قشر اجتماعی دیگر و ترقی یا تنزل در یک ساخت رتبه‌بندی‌شده اجتماعی^{۲۶}. تحرک اجتماعی به صورت‌های مختلف شامل تحرک بین‌نسلی، تحرک درون‌نسلی، تحرک شغلی، تحرک فردی، تحرک جمعی، تحرک مطلق و نسبی است.

تحرک اجتماعی انواعی دارد که به شرح زیر است:

22. Robert Agnew

23. P.A. Sorokin, *Social and Cultural Mobility*, (New York: Free press, 1964).

۲۴. عبدالحسین نیک‌گهر، *مبانی جامعه‌شناسی*، (تهران: رایزن، ۱۳۶۹)، ص ۳۹۹.

25. Richard Breen, *Social Mobility in Europe*, (Oxford: University Press, 2004).

۲۶. حمید تنکابنی، «موانع تحرک اجتماعی و تأثیرات آن در تحرک شغلی کارکنان سازمانهای دولتی و پیامدهای آن»، *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ش ۳ (۱۳۹۲)، ص ۴.

۱.۱.۱. تحرک افقی و تحرک عمودی

به بیان دیگر، انتقال یک فرد از یک پایگاه اجتماعی به پایگاه اجتماعی مشابه را تحرک افقی^{۲۷}، و انتقال از یک قشر به قشر دیگر - اعم از اینکه بالاتر یا پایین تر باشد - تحرک عمودی^{۲۸} عمودی^{۲۸} گویند. تحرک عمودی دو صورت دارد: صعودی و نزولی. در حالت صعودی اجتماعی^{۲۹}، فرد از یک پایگاه پایین تر به پایگاه اجتماعی بالاتر ارتقا می یابد و در حالت نزولی اجتماعی^{۳۰}، فرد از پایگاه بالاتر به پایگاه پایین تری تنزل می کند.

تحرک عمودی به معنای حرکت به بالا یا پایین نردبان اجتماعی و اقتصادی است. افرادی که دارایی، درآمد، یا پایگاه اجتماعی کسب می کنند دارای تحرک صعودی هستند؛ درحالی که کسانی که درآمد و پایگاه خود را ازدست می دهند دارای حرکت نزولی می باشند. در جوامع امروزی میزان زیادی تحرک جانبی نیز وجود دارد که به حرکت جغرافیایی بین نواحی، شهرها، یا مناطق اطلاق می گردد. تحرک عمودی و جانبی اغلب با یکدیگر همراه هستند^{۳۱}. برای مثال، شخصی که از ریاست یک اداره به مدیریت کل ارتقا می یابد، در واقع تحرک عمودی صعودی را تجربه می کند. بر اثر این ارتقا، درآمد و مسئولیت کلی این فرد نیز افزایش می یابد. اما مربی فوتبال یک تیم دست اول، وقتی به مربیگری یک تیم دسته دوم تنزل می کند، تحرک عمودی نزولی می یابد.

۲.۱.۱. تحرک درون نسلی و بین نسلی

تحرک اجتماعی یا به شکل تحرک بین دو نسل یا چند نسل است و یا تحرک در یک نسل. هرگاه موقعیت اجتماعی طی دو یا چند نسل تغییر کند، آن را تحرک بین نسلی^{۳۲} و اگر در طول زندگی یک نسل تغییر کند، آن را تحرک درون نسلی^{۳۳} می نامند^{۳۴}.

27. Horizontal Mobility

28. Vertical Mobility

29. Social Climing

30. Social Sinking

۳۱. آنتونی گیدنز، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، (تهران: نی، ۱۳۷۶)، ص ۲۳۸.

32. Inter Genration Mobility

33. Intera Genration Mobility

۳۴. زهرا غفاری، «تأثیر سرمایه فرهنگی تجسم یافته (ذهنی) بر تحرک اجتماعی میان نسلی (مورد مطالعه: شهروندان ۳۰ تا ۵۴ ساله شهر گرگان)»، توسعه اجتماعی، ش ۴ (۱۳۹۶)، ص ۱۸۷؛ حسن ملک، جامعه شناسی قشرها و نابرابریهای اجتماعی، (تهران: دانشگاه پیام نور، چ ۳، ۱۳۸۸)، ص ۶۷.

وقتی پسر یک راننده تاکسی در رشته پزشکی فارغ التحصیل شده، یک پزشک موفق می شود، تحرک میان نسلی اتفاق می افتد؛ تحرک میان نسلی سیر نزولی نیز می تواند داشته باشد. وقتی پسر یک پزشک راننده تاکسی می شود، فراگرد بالا صورت معکوس به خود می گیرد.

۳.۱.۱. تحرک جمعی

تحرک جمعی، تغییر در قدرت یا پایگاه یک قشر است که احتمال دارد به علت تغییرات اساسی (سیاسی و اجتماعی) حاصل شده باشد. این امر در انقلاب صنعتی یا اجتماعی عمومیت دارد.

۴.۱.۱. تحرک مطلق و نسبی

تحرک مطلق به معنای آن است که مردم تحرکی بالفعل، رو به بالا و یا رو به پایین داشته باشند. تحرک نسبی، به احتمال تحرک مردم با خاستگاه های متفاوت از لحاظ ساختار طبقاتی توجه می کند. تحرک نسبی بهترین معیار برای اندازه گیری درجه گشادگی و وجود فرصت های برابر در جامعه است.^{۳۵}

۲.۱. شناخت شناسی تحرک طبقاتی

تحرک طبقاتی به مفهوم روند تغییر در یک طبقه است و یا به بیان دیگر به حرکت از یک وضعیت طبقاتی به وضعیت دیگر - به سمت بالا یا پایین - اشاره دارد.

تغییر ساختار طبقاتی یکی از عوامل مهم تغییر در جامعه است، هرچه سرعت این تغییر بیشتر باشد، به همان اندازه سرعت تغییر در جامعه بیشتر خواهد بود. مبنای سنجش این سرعت تحرک طبقاتی است. وقتی تحرک طبقاتی و حتی میل به آن در جامعه ای بسیار بالا باشد، این امر گویای آن است که افراد به دلایل مختلف و از جمله محرومیت و نیز فشار هنجارهای اجتماعی حاضر به ماندن در جایگاه طبقاتی گذشته خود نیستند.

رصد وضع تحرک طبقاتی به منزله شاخص بهبود اقتصادی جامعه و گویای روند نزولی

۳۵. ابوالقاسم راسخی بخشایش، تحرک اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن (با تأکید بر تحرک اجتماعی در ایران)، (تهران: دهمین کنگره پیشگامان پیشرفت، ۱۳۹۵)، ص ۶۸.

تحرک طبقاتی است، به نحوی که از حجم طبقه متوسط کاسته و طبقه پایین جامعه فربه‌تر شده است.^{۳۶} بر این اساس، در راستای تأثیر تحرک طبقاتی بر بزهکاری در ایران، بستریابی وجود دارد که بر مبنای پژوهش‌های صورت گرفته در طیف‌های اقتصادی، حاشیه‌نشینی، اوضاع نابسامان اقتصادی و اجتماعی و فساد اداری قابل تبیین است.

۳.۱. رابطه بزه و بزهکاری با تحرک طبقاتی

بزه، اقدام به عملی است که برخلاف موازین، مقررات، قوانین و معیارهای ارزشی و فرهنگی جامعه باشد. همچنین بزه مجموعه تخلفات جزایی است که افراد در یک جامعه مرتکب می‌شوند.^{۳۷}

بزه، اولین پدیده‌ای است که با تجمع افراد به دور یکدیگر و شکل گرفتن جامعه به وجود می‌آید، زیرا گرد هم آمدن افراد موجب سرپیچی از برخوردهای گوناگونی بین آنها شده، به همین دلیل دستورات و مقرراتی پدید می‌آید تا قدری آزادی افراد را به سود جامعه مقید گرداند و حدود هریک از افراد جامعه مشخص شود. اگر با دیدی جامعه‌شناسانه به پدیده بزهکاری نگریسته شود، به منزله یک بیماری اجتماعی تلقی می‌شود که باید درمان شود. بزهکاری اصولاً از جرایمی به وجود می‌آید که در یک زمان و مکان معین به وقوع می‌پیوندد و به همین جهت زمانی که مورد بررسی قرار می‌گیرد، درحقیقت کلیه پدیده‌های اقتصادی، فرهنگی، بهداشتی، سیاسی، مذهبی، خانوادگی و ... یک جامعه مطالعه می‌شوند.^{۳۸}

نظریه‌های فرایند اجتماعی بزهکاری را بر اساس طبقه اجتماعی تبیین نمی‌کنند، بلکه بزهکاری را تابعی از جامعه‌پذیری افراد می‌دانند. این نظریه‌ها به تعامل افراد با سازمان‌های مختلف، نهادها و فرایندهای اجتماعی توجه می‌کنند.^{۳۹}

۳۶. مهدی المیر، «وضعیت‌سنجی ابعاد هویت ملی، قومی و طبقاتی جامعه ایران»، *علوم اجتماعی*، ش ۱۰۲ (۱۴۰۲)، ص ۱.
37. H, Shambayati, *Juvenile Delinquency*, (Tehran: Jwbeen Publication, 2006).

۳۸. آذر اسکندری چراتی، «بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر بزهکاری نوجوانان (مطالعه موردی: نوجوانان پسر ۱۳ تا ۱۹ سال شهر آزادشهر)»، *تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری*، ش ۴ (۱۳۹۶)، ص ۱۸۸.

۳۹. حمیدرضا جلالی‌پور و مجید حسینی‌نثار، «عوامل اجتماعی مؤثر بر بزهکاری نوجوانان (مطالعه موردی: شهر رشت)»، *جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران (تحقیقات علوم اجتماعی ایران)*، ش ۲ (۱۳۸۸)، ص ۵۲.

نظریه فشار بر آن است که عمدتاً رفتار انحرافی در میان افراد طبقه پایین و محروم، به علت فشارهای اقتصادی-اجتماعی جامعه اتفاق می‌افتد. افراد فقیر و محروم جامعه به لحاظ مسکن، تغذیه، آموزش، بهداشت، اشتغال و سایر امکانات رفاهی در وضعیت نامطلوب و ناگواری قرار دارند و چنین افرادی با تنگناهای مختلفی در جامعه دست و پنجه نرم می‌کنند.^{۴۰}

بزهکاری گونه‌ای از کج‌روی است که به هنجارشکنی بیش از ارزش‌شکنی گرایش دارد؛ به همین دلیل نسبت به جرم گسترش معنایی بیشتری دارد.

بزهکاری محصول تنش و ناسازگاری فرد بر اساس قوانین اجتماعی است. بر اساس قانون، بزهکاری به عملی گفته می‌شود که باعث برهم‌خوردن نظم اجتماعی شده، آسایش و آرامش دیگران را به‌مخاطره می‌اندازد. فرد بزهکار نوجوان بر اساس قانون فردی است که دچار قباح‌رفتاری در اجتماع شده، باید مجازات شود.

بزهکاری یک پدیده بسیار پیچیده اجتماعی است که در محیط‌های اجتماعی مختلف به شکل‌های متفاوتی دیده می‌شود. تعریف بزه و رفتار بزهکارانه در هر جامعه‌ای از طریق قوانین حقوقی و هنجارهای اجتماعی آن جامعه مشخص می‌شود. اگرچه در بیشتر جوامع، بزه به‌عنوان رفتاری قابل تنبیه از طرف قانون تعریف شده است، اما صرفاً در تبیین آن، مفهوم حقوقی مسئله کافی نیست. بزهکاری به معنای تعداد متغیری از اعمال ارتكابی علیه احکام قانونی که می‌تواند ماهیت‌های مختلفی داشته باشد، وجه مشترک تمام جوامع انسانی است.^{۴۱} بزهکاری رفتاری ضد اجتماعی است، ولی به‌طور دقیق بر پایه قانون تعریف نمی‌شود. در کل هسته مرکزی این دو مفهوم، شکستن قوانین و زیرپا گذاشتن ارزش‌های اجتماعی است.^{۴۲}

۴.۱. تبیین تحرک طبقاتی در پرتو نظریه فشار مرتن

تأکید نظریه فشار مرتن بر تأثیر ساختارهای اجتماعی در تبیین مسائل اجتماعی است. از این

40. M. Zangeneh, "examining Family and Social Factors Affecting Juvenile Delinquent Behaviour". Booshehr Province, social Sceinces Journal, Alameh Tabatabaee Univesrity, No. 25 (2004).

۴۱. محمدسعید شفیعی و شیرین شفیعی، «بررسی آسیب‌شناسانه و پیشگیرانه بزهکاری در سنین نوجوانی»، دومین کنفرانس چارسوی علوم انسانی، (۱۳۹۵)، ص ۲.

۴۲. سوسن سهامی، عنایت‌اله حسین‌زئی و عاطفه پرویززاده، «ساخت و اعتباریابی مقیاس بزهکاری چند بعدی نوجوانان و جوانان»، روش‌ها و مدل‌های روانشناختی، ش ۲۹ (۱۳۹۶)، ص ۷۳.



رو، فشارهای کلان ساختاری با متغیرهای خرد محیطی ترکیب و تعدیل شده، رفتار فرد، واکنش به ترکیبی از این متغیرها است. وی بر این باور است که جامعه فرد را به کج رفتاری و رفتار ناپهنجار وادار می‌کند.^{۴۳}

به نظر مرتن، جوامع صنعتی جدید بر توفیقات مادی در زندگی تأکید دارند که به شکل انباشت ثروت و تحصیلات علمی به‌عنوان مهم‌ترین اهداف زندگی شخصی و معیارهای منزلت اجتماعی تجلی می‌یابد. دستیابی به این اهداف مقبول اجتماعی، نیاز به ابزارهای پذیرفته‌شده‌ای دارد که البته از دسترس جمعی از افراد جامعه خارج است. ساختار جامعه به‌طوری است که طبقات فرودست فرصت‌های کمتری برای تحقق آرزوهای خود دارند. در نتیجه چون این اهداف به آرمان‌های اصلی زندگی همه افراد جامعه چه فقیر و چه غنی تبدیل شده، کسی هم که دسترسی به ابزار مشروع ندارد تحت فشار جامعه برای دستیابی به آن اهداف از ابزار نامشروع استفاده می‌کند همین میل رسیدن به توفیق مادی به نحو وارونه و ظالمانه‌ای موجبات یأس و انحراف را در درون فرد فراهم می‌سازد.^{۴۴}

نظریه فشار مرتن به دنبال بیان این واقعیت است که زمانی که توفیقات مادی و کسب ثروت ارزش مسلط در جامعه را تشکیل دهد و این امر برای همه افراد جامعه نهادینه شود و از سوی دیگر وسایل و ابزارهای رسیدن به این امر در اختیار همه افراد جامعه قرار نگیرد، افراد تحت فشار قرار می‌گیرند که در کوتاه‌ترین زمان به ثروت‌های فراوان دست یافته، به ارزش‌هایی که در جریان جامعه‌پذیری برای آنها نهادینه شده است، دست یابند و حتی ابزارهای مشروع هم که مدت زمان زیادی را برای رسیدن به این توفیقات از فرد می‌گیرند، جذابیت خود را از دست داده، ابزارهای نامشروعی که در زمان کوتاه این اهداف را تا حد زیادی تأمین می‌کنند، جذابیت می‌یابند. برای مثال، آنچه غالباً اشخاص را برای ورود به شبکه‌های هرمی تحریک می‌کند این است که به هنگام معرفی کار به آنها گفته می‌شود که در مدت کوتاهی می‌توانند به درآمد باورنکردنی دست یابند.^{۴۵}

۴۳. مهدی جلیلیان و سعید عطازاده، «تحلیل جرم‌شناختی جرایم اقتصادی»، پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، ش ۱ (۱۳۹۳)، ص ۱۳۲.

۴۴. چارلز گروترز، جامعه‌شناسی مرتن، ترجمه زهرا کسائی، (تهران: علامه طباطبائی، ۱۳۷۸)، ص ۱۷۰.

۴۵. مهدی جلیلیان و سعید عطازاده، «تحلیل جرم‌شناختی جرایم اقتصادی»، پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، ش ۱ (۱۳۹۳)، ص ۲۳.

مرتن تأکید دارد که واکنش همه افراد نسبت به فشارهای وارده اجتماعی به علت دسترسی نداشتن به فرصت‌های مشروع برای تحقق اهداف، مشابه نیست و همه فرودستان برای دستیابی به اهداف مقبول اجتماعی کج رفتاری نمی‌کنند و هرکس به طریقی خود را با محیط سازگار می‌نماید. از نظر وی، دسته‌ای از افراد جامعه هستند که اهداف جامعه را پذیرفته، به ابزارهای مشروع هم دسترسی دارند و در حالت انطباق هستند؛ هرچه تعداد این افراد در یک جامعه بیشتر باشد آن جامعه فاصله بیشتری با بی‌سازمانی اجتماعی دارد. در مقابل دسته‌ای از افراد جامعه که اهداف جامعه را پذیرفته‌اند، اما به ابزارهای مشروع دسترسی ندارند، با توسل به ابزارهای نامشروع به دنبال اهداف مشروع می‌روند که او این حالت را نوآوری می‌نامد. گروهی نیز در مقابل اهداف و ابزارهای مشروع ولی دست‌نیافتنی، طغیان کرده، اهداف و ابزارهای جدیدی را برای تغییر ساختار اجتماعی معرفی می‌کنند که وی آنها را طغیان‌گران می‌نامد. عده‌ای نیز به‌ناچار از اهداف مقبول و ابزارهای مشروع اجتماعی و دستیابی به آنها دست شسته، از جامعه کناره می‌گیرند. عده‌ای نیز که آنها را مناسک‌گرایان می‌نامد با تمرکز بر ابزارهای مشروع، اهداف مشروع دست‌نیافتنی را در خود کمرنگ کرده یا از بین می‌برند؛ در نتیجه، تنها به پیگیری ابزارهای مشروع می‌پردازند. سه گروه نوآوران، طغیان‌گران و کناره‌گیران در سازگاری خود با محیط و جامعه‌ای که امکان دسترسی آنها به ابزار مشروع و مقبول اجتماعی را محدود ساخته، کج رفتاری و هنجارشکنی را برگزیده‌اند.^{۴۶}

مرتن می‌گوید: هرگاه بین هدف و وسیله رسیدن به آن فاصله‌ای بیفتد، جرم به‌وقوع می‌پیوندد. او به این مسئله می‌پردازد که احساس فشار و به تبع آن، انحراف یا جرم، ناشی از روابطی است که میان عوامل پیش‌گفته وجود دارد، نه خود این عوامل؛ به این معنا که جامعه اهداف واحدی را برای عامه مردم در نظر می‌گیرد، اما از طرف دیگر وسایل مقبول و مشروع به یک اندازه در دسترس مردم نیست، که همین موجب بروز رفتارهای انحرافی می‌شود.^{۴۷}

نظریه فشار رابرت مرتن، بر گونه‌ای از فشار تأکید داشت که به ناتوانی در دستیابی به موفقیت اقتصادی می‌پرداخت. او باور داشت که همه مردم ایالات متحده آمریکا ترغیب می‌شوند

۴۶. رحمت‌الله صدیق سروستانی، آسیب‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، (قم: آن، ۱۳۸۷)، ص ۱۳.

۴۷. یان رابرتسون، درآمدی به جامعه، ترجمه حسین بهروان، (مشهد: آستان قدس، ج ۱، ۱۳۷۲)، ص ۱۷۴.



به موفقیت اقتصادی دست یابند، اما بسیاری از مردم به‌ویژه طبقات پایین‌تر برای دستیابی به این اهداف از طریق شیوه‌های قانونی ناتوان‌اند.^{۴۸}

احساس فشار زمانی رخ می‌دهد که بین آرزوها و آرمان‌های فرهنگی نظیر موفقیت مالی از یک سو و فرصت‌های ساختاری نظیر آموزش و استخدام از سوی دیگر دوگانگی و برخورد وجود داشته باشد که در نتیجه آن، تنها برخی از اشخاص می‌توانند به چنین موفقیت‌هایی دست پیدا کنند؛ لذا مرتن ریشه‌های جرم و انحراف را در ساختار جامعه می‌داند. به نظر وی در اغلب اوقات، امکانات برای دستیابی به موفقیت، بر اساس طبقه اجتماعی - اقتصادی فراهم می‌شود. اگرچه اکثر مردم اهداف و ارزش‌های مشابهی دارند، اما توانایی دستیابی آنها به اهداف شخصی به‌وسیله طبقه اقتصادی - اجتماعی محدود شده است. فشار در مناطق مرفه به سبب در دسترس بودن فرصت‌های آموزشی و رفاهی ناچیز است، اما در مناطق بی‌سازمان به دلیل اینکه راه‌های مشروع و قانونی کسب موفقیت بسته است، فشار رخ می‌دهد؛ به‌طوری‌که مردم تهیدست برای رهایی از فشار ممکن است از روش‌های مجرمانه مانند سرقت و دادوستد مواد مخدر برای رسیدن به اهدافشان استفاده کنند.^{۴۹} این نظریه بر روابطی تأکید می‌کند که مانع از دستیابی صحیح برخی افراد به ارزش‌ها و اهداف و آرزوهایشان می‌شود و اعمال مجرمانه در نتیجه احساس محرومیت، خشم، سرخوردگی و فشار شکل می‌گیرد و این احساسات نیز در پی روابط اجتماعی منفی و مخرب به‌وجود می‌آید.^{۵۰} در مجموع، در نظریه یادشده رفتارهای انحرافی نتیجه فشارهای اجتماعی تلقی می‌شوند که تعبیر ساده آن در این عبارت نهفته است: «فقر باعث جرم می‌شود».^{۵۱}

به این ترتیب، نظر مرتن تأیید می‌شود مبنی بر اینکه وقتی برای افراد فرصت کم یا زیاد باشد، انتظارات اجتماعی از افراد پایین یا بالا بوده، معناها نیز برای آنان مبهم و غیرمنطقی و ناموجه باشد، هر کدام از موارد فوق به‌صورت مستقل و یا در ترکیب با یکدیگر می‌توانند منجر به کجرفتاری شوند.

48. Robert K. Merton, "Social Structure and Anomie", *American Sociological*, (1938), pp. 672-682.

۴۹. شهلا معظمی، بزهکاری کودکان و نوجوانان، (تهران: دادگستر، چ ۱، ۱۳۸۸)، ص ۷۷.

۵۰. همان، ص ۱۷۱.

۵۱. تاج زمان دانش، مجرم کیست؟ جرم‌شناسی چیست؟ (تهران: کیهان، چ ۳، ۱۳۸۶)، ص ۲۸.

۵.۱. پیامد فقدان فرصت‌های مشروع در ایجاد گرایش‌های مجرمانه

نظر رابرت مرتن این است که جامعه فرد را به کج‌رفتاری وادار می‌سازد؛ به بیان دیگر، کج‌رفتاری حاصل فشارهای ساختاری اجتماعی خاصی است که افراد را به کج‌رفتار شدن مجبور می‌کند. از نگاه مرتن، جوامع صنعتی جدید بر توفیقات مادی در زندگی تأکید دارند که به شکل انباشت ثروت و تحصیلات علمی به‌عنوان مهم‌ترین اهداف زندگی شخص و معیارهای منزلتی تجلی می‌کنند. دستیابی به این اهداف مقبول اجتماعی نیاز به ابزارهای مقبولى هم دارد که البته از دسترس جمعی از افراد جامعه خارج است؛ یعنی ساختار جامعه طوری است که طبقات فرودست فرصت‌های کمتری برای تحقق آرزوهای خود دارند. در نتیجه، چون این اهداف به آرمان‌های اصلی زندگی همه افراد (فقیر و غنی) تبدیل می‌شود، کسی که دسترسی به ابزار مشروع ندارد، تحت فشار جامعه برای دستیابی به آنها از ابزار نامشروع استفاده می‌کند.

۶.۱. تبیین تحرک طبقاتی در پرتو نظریه فشار عمومی آگنیو

به نظر رابرت آگنیو، شکست در رسیدن به اهداف ارزشمند مثبت، فقدان انگیزه‌های ارزشمند مثبت و وجود انگیزه‌های منفی از منابع فشار است. آگنیو در نظریه فشار عمومی تلاش دارد تا وقوع جرمی را که ناشی از فشاری است که فرد در زندگی با آن روبه‌رو می‌شود، تبیین کند. همچنین این نظریه می‌تواند مقیاس‌های فشار، انواع اصلی فشار، رابطه بین فشار و بزهکاری، رویکردهای تقابلی نسبت به فشار، عامل رفتار بزهکارانه یا غیربزهکارانه و نظریه‌های سیاسی را که مأخذ آنها این نظریه است، تعریف کند. نظریه فشار عمومی آگنیو (درواقع نسخه تجدیدنظریافته‌ای از نظریه فشار) به دنبال تبیین عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان بزهکاری نوجوانان است.^{۵۲}

در راستای چارچوب نظری پژوهش و بررسی نقش تأثیر تحرک طبقاتی بر بزهکاری در ایران می‌توان گفت که عوامل اقتصادی عامل اساسی برای تمام ساختارهای اجتماعی بوده، تأثیرات قابل توجهی بر فعالیت‌های فردی از جمله وقوع جرم دارد. در ایران، متغیرهای فشار مانند نرخ

۵۲. اکبر علی‌وردی‌نیا؛ محمداسماعیل ریاحی و سیده ملیحه موسوی چاشمی، «مطالعه جامعه‌شناختی بزهکاری: آزمون تجربی نظریه فشار عمومی آگنیو»، *جامعه‌شناسی ایران*، ش ۲ (۱۳۸۶)، ص ۸۵.



بیکاری، نابرابری درآمدی و صنعتی شدن، از متغیرهای مهم و تأثیرگذار بر جرم و از جمله سرقت در کشور بوده است؛ به طوری که افزایش نرخ بیکاری و نابرابری درآمدی موجب افزایش نرخ سرقت در ایران شده است. همچنین نتایج بررسی علل اقتصادی ارتکاب قتل در ایران بر این دلالت دارد که متغیرهایی همانند نرخ بیکاری، فقر نسبی و نابرابری درآمدی، از جمله عوامل تعیین کننده ارتکاب قتل در ایران هستند و با آن رابطه مستقیم دارند.

در نظام کیفری ایران، جرایم اقتصادی بیشتر از جهت پیامد جرم افتراقی شده که خود ناشی از پیوند سه گانه فعالیت رسانه ها، وضعیت سیاسی و اقتصادی ایران و موقعیت مرتکب از جهت ارتباط با دستگاه های اجرایی است. این سه عامل، جرم اقتصادی را خواه ناخواه با جرم امنیتی شبیه سازی می کند و دادرسی کیفری افتراقی نیز بر همین مبنا استوار می شود.

۲. آثار تحرک اجتماعی - طبقاتی در شکل گیری جرایم در ایران

اگر مطلوبیت مورد انتظار ناشی از جرم، از مطلوبیت مورد انتظار کار قانونی بیشتر باشد، جرم رخ می دهد. بر این اساس، شرایط اقتصادی مانند بیکاری، تورم و فقر موجب افزایش نرخ ارتکاب جرم می شوند، چون این عوامل تفاوت میان جرم و کار قانونی را افزایش می دهند. نرخ بیکاری و تورم اثر مثبتی بر میزان جرم و جنایت در ایران دارد، به طوری که با یک واحد افزایش نرخ بیکاری و تورم، میزان جرم و جنایت بالا می رود. بنابراین با توجه به اینکه در طول چند سال اخیر، میزان تورم اقتصادی به شدت افزایش یافته و نرخ بیکاری به نحو نگران کننده ای بالا رفته است، گرانی کالاها و خدمات به یکی از بزرگ ترین مشکلات افراد و خانواده ها تبدیل شده است.^{۵۳} همچنین شوک اقتصادی در ایران که از نیمه دوم سال ۱۳۹۶ با افزایش غیرقابل کنترل نرخ ارز و تورم و نیز کاهش ارزش پول ملی، باعث به هم ریختگی طبقاتی در ایران گردید؛ به طوری که افراد بالادست به طبقات فرودست سقوط کردند و عنوانی با نام ثروتمندان فقیر نیز در همان سال ها رایج شد که عبارت بودند از افراد دارای خودروهای لوکس که حتی توانایی خرید یک قطعه کوچک از همان خودرو را نداشتند. برعکس افرادی که در طبقات متوسط بودند با

۵۳. مهرزاد ابراهیمی، عبدالوهاب چاکرزی، «ارتباط میان نرخ جرم و جنایت با تورم و بیکاری در ایران»، پژوهش های راهبردی مسائل اجتماعی، ش ۲ (۱۳۹۴)، ص ۱۱۳.

اعمال مجرمانه‌ای مثل خرید و فروش غیرقانونی ارز و سکه و یا توزیع ارزهای مداخله‌ای خارج از مقررات بانک مرکزی، به ثروت‌های بسیار زیادی دست یافتند.

در جامعه شهری ایران تحرک شغلی رایج و عامل مهم آن، وضع تحصیلی افراد است. بین تحرک شغلی، تحصیلات فرد، تحصیلات پدر، منزلت شغل پدر و جایگاه اولین شغل فرد، رابطه مستقیم وجود دارد.^{۵۴} عوامل عمده تحرک اجتماعی عبارت‌اند از: منشأ جغرافیایی روستایی یا شهری، میزان سواد و تحصیلات، منزلت شغلی، سن ازدواج و پایگاه طبقاتی فرد و پدرش.^{۵۵} در جامعه شهری فرصت برای تحرک طبقاتی کمتر و محدودتر است. البته تحرک نزولی در بین طبقات بالا نیز عمومیت یافته و عواملی نظیر شیوه ارث‌بری اسلامی و عدم ثبات اقتصادی در این امر دخیل است. سطح تحصیلات از عوامل مهم است. تاثیر تحصیل به‌ویژه بر تحرک اجتماعی زنان در مقایسه با مردان بیشتر است.^{۵۶}

در ایران، به‌ویژه در شهر تهران، تحرک اجتماعی بین‌نسلی و درون‌نسلی، در تعداد فراوانی از مردان وجود داشته است. این به آن معناست که جامعه از ساختار قشربندی بسته‌ای برخوردار نیست که مجالی برای جابه‌جایی و تغییر اقشار و طبقات فراهم نکند، بلکه برعکس، تحرک طبقاتی مشاهده می‌شود که به دلایل مختلف سیاسی- فرهنگی و اجتماعی، در تاریخ ایران رایج بوده است. در این زمینه باید تأکید کرد که تحولات ساختاری تأثیر مهمی در تحرک اجتماعی دارند که نباید آنها را نادیده گرفت. تغییرات سیاسی- اقتصادی مانند جنگ، انقلاب، سازندگی و اصلاحات و تغییرات اجتماعی- فرهنگی مانند گسترش آموزش عالی، شهرنشینی، مهاجرت، ارتباطات و صنایع رسانه‌ای، مبادلات فرهنگی و غیره، جملگی زمینه‌های افزایش تحرک اجتماعی درون‌نسلی و به‌ویژه بین‌نسلی را فراهم آورده‌اند.^{۵۷}

۵۴. علی اصغر مقدس، ساختار شغلی و تحرک اجتماعی در استان‌های فارس و کهکلوپه و بویراحمد؛ مورد مطالعه: شهرهای شیراز و یاسوج، پایان‌نامه دکتري، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۰، ص ۸۶.

۵۵. شهلا کاظمی‌پور، «الگوی در تعیین پایگاه اجتماعی- اقتصادی افراد و سنجش تحرک اجتماعی»، نامه علوم اجتماعی، ش ۱۴ (۱۳۷۸)، ص ۱۶۳.

۵۶. صمد کلانتری و محمدسلیمان قائمی‌زاده، «تحرک اجتماعی و ساخت طبقاتی: مطالعه موردی: شهر همدان»، جامعه‌شناسی ایران، ش ۴ (۱۳۸۱)، ص ۸۹.

۵۷. هوشنگ نایی و رضا معصومی‌راد، «عوامل فرهنگی مؤثر بر تحرک اجتماعی مردان ۳۵ تا ۶۴ ساله شهر تهران». مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی سابق)، ش ۳۹ (۱۳۹۰)، ص ۲۸.



به کارگیری سیاست‌های اقتصادی، علاوه بر تأثیرات اقتصادی، می‌تواند باعث بروز بسیاری از تأثیرات اخلاقی و اجتماعی در جامعه شود. از جمله اصلی‌ترین تأثیرات به کارگیری سیاست‌های اقتصادی در ایران تشدید تورم است که این عامل می‌تواند با ایجاد نابرابری درآمدی و شکاف اجتماعی، زمینه‌های بروز انواع جرایم و به خصوص جرایم مالی و اقتصادی را فراهم سازد. افزایش نرخ تورم آسیب‌های متفاوتی را برای جامعه به همراه دارد. تورم حتی اگر به طور مستقیم عامل اصلی بروز و رفتار مجرمانه نباشد، تأثیر خودش را به طور غیرمستقیم در ارتکاب جرم خواهد گذاشت و شخص با این ذهنیت که با نداشتن پشتوانه مالی قادر به تأمین نیازهای روزمره خود نیست، دست به انجام جرم و جنایت می‌زند.

۳. مؤلفه‌های جرم‌زای اثرگذار بر تحرک اجتماعی - طبقاتی در ایران

۱.۳. گسترش حاشیه‌نشینی

تحرک طبقاتی به خصوص از سال ۱۳۹۶ در ایران باعث گسترش حاشیه‌نشینی شده است. اسکان غیررسمی از چالش‌های مهم ناشی از فقر فرهنگی و اقتصادی و نیز عصر جهانی شدن است که در شدت بخشیدن به آسیب‌های اجتماعی اهمیت بسزایی دارد، به طوری که می‌توان گفت حاشیه‌نشینی و جرم علت و معلول یکدیگرند.^{۵۸}

افرادی که در طبقات پایین جامعه قرار دارند با تحرکات طبقاتی ایجادشده ناشی از شوک اقتصادی، قدرت حفظ وضعیت بد فعلی را نداشته، ناگزیر به سمت حاشیه شهرها کشیده می‌شوند. این گسترش حاشیه‌نشینی باعث تشدید ارتکاب جرم می‌شود؛ به این دلیل که مناطق حاشیه شهر بیش از سایر مناطق در معرض انواع فعالیت‌های غیرقانونی است که غالباً با جرایم بیشتری روبه‌رو هستند. بین متغیر مستقل نیاز و جرم رابطه مثبت، و بین متغیرهای مستقل فرصت و جرم رابطه منفی وجود دارد؛ به این معنا که هرچه بر میزان نیاز افراد در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی افزوده شود، احتمال ارتکاب جرم از سوی آنها افزایش می‌یابد (تهران و همدان). همچنین هر قدر فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کاهش یابد، احتمال ارتکاب

۵۸. محسن شاطریان؛ رسول حیدری؛ محمود شاطریان و کامران دولتیاریان، «مدل‌سازی و تحلیل عوامل مؤثر بر وقوع جرم در مناطق حاشیه‌نشین شهر کاشان»، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ش ۳۷ (۱۳۹۹)، ص ۹۶.

جرم افزایش می‌یابد.^{۵۹}

در واقع، گسترش شتابان حاشیه‌نشینی، شهر را کانون مسائل اجتماعی می‌کند و سامان اجتماعی شهر را با تغییرات سریع و بی‌نظمی مواجه می‌سازد. بخش بزرگی از جمعیت کشور ایران ساکن شهرها، از جمله شهرهای بزرگی مانند تهران هستند که معمولاً از نظر فرهنگ، زبان و قومیت تنوع زیادی دارند؛ به‌طوری که شهردار تهران در مصاحبه با روزنامه ایران که در ۱۹ آذر ۱۳۹۸ از افزایش ۱۸ درصدی رشد سکونت در حاشیه پایتخت خبر داد که بیش از ۷۰ درصد ساکنان مجموعه شهری تهران، حاشیه‌نشین هستند و از استان‌های مختلف مثل لرستان، ایلام، کرمانشاه و خوزستان به این نقطه مهاجرت کرده‌اند. دشواری‌های شهرنشینی در مورد تهیه مسکن، گذران زندگی، رقابت برای زندگی بهتر و سود بیشتر، سرعت بالایی برای تحرک به جمعیت می‌بخشد و ناهمگونی فرهنگی و طبقه‌ای را عمیق‌تر می‌کند. گسترش حاشیه‌نشینی ناشی از رانده شدن افراد از زادگاه خود و نبود برنامه برای این جمعیت اضافه‌شده، شهرهای بزرگ را کانون مسائل و مشکلات اجتماعی و اقتصادی می‌نماید و سامان اجتماعی شهرها را با تغییر سریع روبه‌رو کرده، بی‌نظمی‌های ایجادشده می‌تواند عامل بسیاری از جرم‌ها از جمله سرقت، توزیع مواد مخدر باشد یا آنها را تشدید کند. در شهرهای پرجمعیت که قوم‌ها، زبان و دین‌های گوناگونی دارند و هنجارهایشان مختلف و متعدد است، نظام خانواده و خویشاوندی آنها گسیخته و تلاشی می‌شود و جرم‌هایی مانند سرقت افزایش نگران‌کننده‌ای پیدا می‌کند. وقتی در کنار مهاجران روستایی و مهاجران شهرهای کوچک، افرادی از دل شهر به دلیل سقوط به طبقات پایین‌تر به حاشیه رانده شده، به مجموعه قبلی اضافه می‌شوند، به هم‌ریختگی طبقاتی جدیدی در حاشیه شهر ایجاد شده، تحرکات برای ورود به شهر بیشتر می‌شود، ولی به دلیل ضعف امکانات و خدمات رفاهی، عدم حمایت‌های مادی و اخلاقی از آنها و نبود راهکارهای قانونی و مشروع در جهت بازگشت به وضعیت قبلی و نهایتاً به دلیل ورود فشار بیش‌ازحد، مشکلات تشدید شده، سودای ارتکاب جرم بیش از پیش در سر پرورانده می‌شود. ورود افراد از طبقات دیگر به حاشیه شهرها باعث بحران فرهنگی نیز می‌گردد. جرم همیشه ناشی از مسائل اقتصادی نیست.

۵۹. محمود ابراهیمی مقدمیان؛ زهرا جلیلی صالح و فاطمه جلیلی صالح، «مطالعه علل ارتکاب جرم در میان جوانان حاشیه‌نشین شهر همدان»، دانش انتظامی همدان، ش ۳ (۱۳۹۳)، ص ۶۳.



به هم ریختگی فرهنگی در حاشیه شهرها که ناشی از تقابل افراد جدید با افراد قبلی می شود، خود بنیان گذار ارتکاب جرایم دیگری از جمله درگیری های فیزیکی، جرایم علیه تمامیت جسمانی افراد و جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی می شود. همه ساله میزان جمعیت و سهم آنها در بروز ناامنی ها که برگرفته از فاصله نامتناسب و ناهمگون توسعه اقتصادی، فرهنگی، علمی، آموزشی، رفاهی و... میان شهرهای بزرگ با شهرهای کوچک و به دور از مراکز قدرت و ثروت است، رو به فزونی است. این جمعیت مهاجر که عمدتاً به سبب ناچاری و انواع محرومیت ها به سمت شهرهای دیگر و یا حاشیه شهرها مهاجرت می کنند، در این رهگذر به دلیل مشکلات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در بروز انواع جرایم در شهرها نقش بسزایی دارند. افزایش جمعیت حاشیه شهرها به بی سامانی و افزایش جرایم و انحرافات اجتماعی می انجامد.^{۶۰}

رشد شتابان حاشیه نشینی نمونه بارز فقر شهری و بی سامانی اجتماعی است، به نحوی که امروزه به عنوان مهم ترین کانون های بروز ناهنجاری و جرایم اجتماعی شناخته می شود. توزیع نابرابر ثروت، قدرت و خدمات در شهرها و گاه ایجاد شوک های اقتصادی موجب می شود که شهروندان ثروتمند در مناطق مطلوب شهر و فقرا در محلات حاشیه و دورافتاده سکونت کنند. روی هم رفته، مناطق حاشیه نشین جغرافیای مشخصی دارند که اعمالی چون دزدی، اعتیاد، قاچاق و فحشا در آن بیش از متن اصلی شهر دیده می شود و از جهات متعددی موجب شیوع بزهکاری، انحراف های اجتماعی و عوارض ناشی از آنها می گردد.^{۶۱}

۲.۳. نابسامانی اقتصادی و اجتماعی

هرچند ممکن است در ابتدا عوامل اخلاقی دلایل افزایش جرم به نظر برسد، اما با نگاه دقیق تر این واقعیت آشکار می گردد که عوامل متعددی در گرایش افراد جامعه به ارتکاب جرم نقش ایفا می کنند. طبیعی است که هرگونه پیشگیری بدون توجه به این عوامل امکان پذیر نیست. با وجود این، جرم غالباً متضمن نقض قواعد اخلاقی است. یکی از عوامل اساسی بروز رفتارهای غیراخلاقی و ناهنجار اجتماعی، اوضاع نابسامان اقتصادی و اجتماعی است. جرایم

۶۰. حنا درشتی، «نابسامانی اجتماعی و تأثیر آن بر سرقت با تأکید بر پدیده مهاجرت (مطالعه موردی: تهران بزرگ)»، کارگاه، ش ۵۰

(۱۳۹۹)، ص ۷۶.

۶۱. قاسم مرادی، «حاشیه نشینی، جرم و ناامنی»، رویکردهای پژوهشی در علوم اجتماعی، ش ۱۱ (۱۳۹۶)، ص ۱۸۶.

اقتصادی یا جرایم مرتبط با کسب و کار، از نظام اقتصادی هر کشور و نیز جامعه که از منظر جامعه‌شناسی جنایی، «محیط اجتماعی عمومی» آن کشور را تشکیل می‌دهند، مستقیماً متأثر می‌شود.^{۶۲} در جوامعی که تبعیض‌های اجتماعی رو به رشد است، هنجارشکنی میان گروه‌های مختلف اجتماعی بیشتر به چشم می‌خورد. این امر در مرحله اول سبب تحرک طبقاتی شده، در مرحله بعد باعث افزایش ناامنی و ارتکاب جرم در آن جامعه می‌گردد. به هم‌ریختگی طبقات اجتماعی و سقوط به طبقات پایین می‌تواند به خیزش‌های اجتماعی خشونت‌آمیز نیز منتهی شود. مرتکبان اعتراضات خشونت‌آمیز خود را قربانی وضعیت نابسامان اجتماعی و کمبودها و تنگناهای اقتصادی می‌دانند. از منظر جرم‌شناسی انتقادی، وضعیت اقتصادی متزلزل و بی‌ثبات علت مستقیم خشونت نیست، بلکه بستری اجتماعی را فراهم می‌کند که در آن اشکال مختلف خشونت به محض فراهم شدن فرصت ارتکاب می‌یابد.^{۶۳} ازجمله جرایمی که از دیرباز به دلیل افزایش تبعیض‌های طبقاتی و فقر در جوامع بشری شایع شده، جرم سرقت (ازجمله در شهر اهواز) است. شاید بتوان گفت که وقتی اجرای عدالت اجتماعی و اقتصادی در یک جامعه رو به کاهش باشد، جرم سرقت رو به افزایش خواهد بود. از طرف دیگر، این جرم نه تنها به نظام‌های مالی افراد مال‌باخته، بلکه به اقتصاد و روان جامعه نیز لطمات جبران‌ناپذیری وارد می‌کند.^{۶۴}

وقوع جرم به عنوان یک پدیده نامطلوب اجتماعی، علل روانی، اقتصادی و اجتماعی متعددی دارد. با توجه به این موضوع، وضعیت اقتصادی عامل مهمی برای تمام ساختارهای اجتماعی بوده، تأثیرات قابل توجهی بر وقوع جرم دارد. بیشترین عوامل مؤثر بر متغیر سرقت، به ترتیب متغیرهای نابرابری درآمدی، نرخ بیکاری و نرخ تورم هستند. همچنین، تأثیرگذارترین عوامل بر متغیر جرم به طور کلی، به ترتیب، متغیرهای نابرابری درآمدی، نرخ بیکاری و نرخ فقر بوده‌اند. بیشترین عوامل تأثیرگذار بر متغیر قتل، به ترتیب، متغیرهای نرخ بیکاری، نرخ صنعتی شدن و نرخ فقر هستند.^{۶۵}

۶۲. شهرام ابراهیمی و مجید صادق‌نژاد، «تحلیل جرم‌شناختی جرایم اقتصادی»، پژوهش حقوق کیفری، ش ۵ (۱۳۹۲)، ص ۱۶۹.

۶۳. شهرام ابراهیمی، جرم‌شناسی خیزش‌های اجتماعی؛ درباره خیزش‌های اجتماعی خشونت‌آمیز حومه‌های حساس شهرهای فرانسه، (تهران: میزان، چ ۱، ۱۳۹۹)، ص ۱۳.

۶۴. منصور عطاشنه و مهدی امیری، «علل و عوامل جرم سرقت در شهر اهواز (سال‌های ۷۵ تا ۸۵)»، علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد/اسلامی واحد شوشتر، ش ۱۱ (۱۳۸۹)، ص ۱۱۳.

۶۵. محسن نوغانی‌دخت بهمنی و سیداحمد میرمحمدتبار، «بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر جرم (فراتحلیلی از تحقیقات انجام شده در ایران»، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی، ش ۳ (۱۳۹۴)، ص ۸۵.

۳.۳. فراگیری جرایم ارتكابی مجرمان یقه‌سفید

در نظام اجتماعی، رفتار انسان از سوی عوامل متعلق به طبقه حاکم در اجتماع سازمان‌یافته سیاسی خلق می‌شود و جرم به‌منزله نتیجه‌ای از فرایند پویایی، تحرک یا نیروی طبقات تعریف می‌شود. بر همین اساس، رفتارهای مجرمانه را فرایندی می‌دانند که بر پایه رفتارهایی که در تعارض با منافع طبقه حاکم است، بر ساخته می‌شوند. از این رو، انحراف تابعان نظام اجتماعی می‌تواند علل مختلفی داشته باشد. برای نمونه، ناهنجاری محرومان به این دلیل است که این قبیل افراد به ابزارهای رسمی صعود و موفقیت دسترسی ندارند یا دسترسی آنها از سوی برخی ثروتمندان محدود شده است. در واقع، در درون ساختارهای اجتماعی برای تمامی افراد امکان رسیدن به اهداف، آن هم از طریق لوازم و ابزار قانونی، فراهم نیست و این عدم تعادل نظام جامعه منجر به انحراف می‌شود.^{۶۶}

مجرمان یقه‌سفید کسانی هستند که در طبقات بالای اجتماعی قرار دارند و با سوءاستفاده از موقعیت و نفوذ اداری خود مرتکب جرایم سودآور غیرخشن می‌شوند. مهم‌ترین مصادیق جرایم ارتكابی مجرمان یقه‌سفید عبارت‌اند از: کلاهبرداری، فساد مالی (شامل ارتشا و اختلاس)، جرایم کاری و استخدامی، جرایم مربوط به نقض حقوق مصرف‌کنندگان، جرایم مربوط به مواد غذایی و دارویی، جرایم زیست‌محیطی، جرایم رایانه‌ای، جرایم مربوط به اخلاق در نظام اقتصادی و جرایم گمرکی. برخی از جرایم یقه‌سفیدی، بزه‌دیده مستقیم و برخی بزه‌دیده غیرمستقیم دارند؛ ولی به هر حال، جامعه و افراد موجود در طبقات مختلف اجتماعی، بزه‌دیده واقع می‌شوند. در ایران بیشتر مصادیق جرایم یقه‌سفیدی جرم‌انگاری شده، ولی تناسب لازم در مقام مقایسه بین مصادیق مختلف این جرم با توجه به آثار آنها صورت نگرفته است.^{۶۷}

در سده نوزدهم، بزهکاران از دیدگاه جرم‌شناسان متعلق به قشر یا طبقه «ندار» بودند که خطرناک محسوب می‌شدند؛ و به تعبیر جامعه‌شناسان امریکایی، «بزهکاران یقه‌آبی». ولی از میانه سده بیستم نگرش جرم‌شناسی با توجه به گسترش مطالعات و تحقیقات جرم‌شناسان و

۶۶. رضا مرادی، احمد رضائی و منصور عطاشنه، «تأثیر ساختارهای اجتماعی بر وقوع جرم»، جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ش ۴ (۱۴۰۰)، ص ۳۰۶۳.

۶۷. صادق سلیمی، «مجرمین یقه سفید و سیاست کیفری ایران»، مطالعات حقوقی خصوصی، ش ۴ (۱۳۸۷)، ص ۲۴۷.

جامعه‌شناسان امریکایی و اروپایی، به سمت مطالعه بزهکاران طبقه توانمند که «یقه‌سفیدها» نام گرفتند و نیز جرایم بنگاه‌ها و شرکت‌ها (اشخاص حقوقی) گرایش پیدا کرد.^{۶۸}

جرایم یقه‌سفید از جمله جرایمی هستند که یکی از آثار مخرب آن به‌هم‌ریختگی طبقات اجتماعی است. همچنین این جرایم عملکرد دستگاه کیفری و نهاد قانون‌گذاری و اجرایی را نیز تحت‌الشعاع قرار داده است. افزایش روبه‌رشد ارتکاب جرایم یقه‌سفیدی در کشور با لحاظ اوصاف و ویژگی‌های آن و حجم هزینه تحمیلی به ارکان جامعه، مخصوصاً به طبقات پایین، امری است غیرقابل انکار و اعمال یک سیاست جنایی کارآمد را در قبال این‌گونه جرایم امری قطعی و مسلم نموده است. حساسیت جامعه به جرایمی چون اختلاس، ارتشا، رانت‌خواری، سوءاستفاده‌های مالی و کلاهبرداری‌های کلان امروزه بسیار قوی و تیز گردیده و در این راستا حوزه سیاست‌گذاری کیفری نسبت به جرایم یقه‌سفید به حوزه سیاست‌گذاری عمومی نیز کشیده شده است. مطالعه دقیق دلایل افزایش این‌گونه جرایم با وجود متنوع بودن زرادخانه کیفری از انواع جرم‌انگاری، حتی از نوع مجازات‌های شدید و اینکه این جرایم از کنترل مناسب و کارآمد برخوردار نبوده است ما را به مطالعه دقیق خصایص این‌گونه جرایم و اینکه چه نوع سیاست جنایی و با چه رویکردی می‌تواند موجبات کنترل، بازپروری، بازدارندگی و ناتوان‌سازی مجرمان یقه‌سفید و پرنفوذ در کشور را فراهم آورد، موضوع توجه قرار گرفته است.^{۶۹}

نتیجه

تحرك طبقاتی در کشور ایران وابسته به تأثیر عوامل اقتصادی، اعتقادات همگانی، ارتباطات افراد با یکدیگر، عرف، سنت، عادات و مجموعه عوامل دیگر است. در جامعه ایران بعضی از فعالیت‌های عمومی و برخی رخدادها، زمینه‌ای برای تحرك طبقاتی ایجاد می‌کند. در کشور ایران نه‌تنها شغل، بلکه میزان درآمد و وضعیت اقتصادی نیز باعث تحرك طبقاتی می‌شود. افزایش درآمد و استفاده از آن وسیله‌ای است برای رسیدن به نقش‌هایی که به میزان معینی وجهه

۶۸. علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، حقوق کیفری در آغاز هزاره سوم، دیپاچه در: فلچر، جرج، مفاهیم بنیادین حقوق کیفری، برگردان: سید مهدی سیدزاده ثانی، (مشهد: رضوی، ۱۳۸۴)، ص ۱۵.

۶۹. بهنام حبیب‌زاده مؤمن و اکبر وروایی، «واکاوی سیاست جنایی ایران در قبال جرایم یقه سفید»، علوم اجتماعی شوستر، ویژه‌نامه پیشگیری از جرم و حقوق، ش ۳۹ (۱۳۹۶)، ص ۲۰۳.

اجتماعی مثبتی در جامعه ایجاد می‌کند. همیشه درآمد باعث تحرک طبقاتی نمی‌شود، چون که طرز استفاده از درآمد نیز بر این تحرک، مؤثر است. برای مثال، عده‌ای درآمد را برای رسیدن به مراتب بالای علمی و افزایش سطح تحصیلات یا منزلت اجتماعی استفاده می‌کنند، برعکس عده‌ای دیگر درآمد را فقط برای افزایش رفاه و استفاده از امکانات می‌خواهند.

تحرک طبقاتی روند موقعیت اجتماعی افراد را در طول زمان برای تعیین وضعیت طبقاتی هموار کرده، به فرد در جهت یافتن موقعیت اجتماعی تاحدی یاری می‌رساند. در کشور ایران سطح تحصیلات و نوع آن هم در امر تحرک طبقاتی هنوز نقش تعیین‌کننده‌ای دارد؛ مخصوصاً اگر تحصیلات در سطح عالی باشد، زمینه ارتقا به طبقات بالا را فراهم می‌کند. اما عدم هماهنگی بین ابزارها و اهداف مشروع جامعه مهم‌ترین عامل در ایجاد گرایش به فعالیت جرم‌زا است. طی سال‌های اخیر در ایران به دلایل مختلف از جمله افزایش نرخ تورم و کاهش ارزش پول ملی و سقوط افراد از طبقات بالا به پایین و در کل به هم‌ریختگی طبقاتی، ارزش‌های مادی در صدر قرار گرفته‌اند و نیازهای مادی به نحو روزافزونی افزایش یافته‌اند؛ در مقابل، ابزارها و امکانات مشروع کافی برای همه افراد جامعه برای رسیدن به اهداف یادشده و ورود به طبقات بالاتر و یا حفظ وضعیت فعلی طبقه، فراهم نشده است. در نتیجه، افراد به دنبال دستیابی به ثروت‌های هنگفت و درآمدهای نجومی و رسیدن به اهداف مادی و ارضای نیازهای روزافزون مادی خود به راه‌های نامشروع گرایش پیدا می‌کنند که به‌واقع این همان نکته مورد تأکید نظریه فشار مرتن است. گاهی افراد به راه‌های مشروع هم دسترسی دارند، اما این راه‌ها بسیار طولانی و پرفراز و نشیب هستند و از طرفی راه‌های نامشروع جایگزین را سریع‌تر و پرفایده‌تر می‌بینند و به این سبب به این مسیر روی می‌آورند. حال اگر بپذیریم که ویژگی مشترک همه جرایم اقتصادی از جمله پول‌شویی، جرایم مالیاتی و قاچاق کالا این است که مجرم طی آن به دنبال دستیابی به ثروت و درآمد هنگفت از راهی ساده و سریع است، پس باید اذعان کنیم که نظریه فشار مرتن حداقل می‌تواند به عنوان یک فرضیه قوی در توجیه ارتکاب و گسترش سایر جرایم اقتصادی ناشی از تحرک طبقاتی و به هم‌ریختگی طبقات اجتماعی در جامعه کنونی ما نیز مطرح شود. نظر مرتن مبنی بر اینکه «وقتی برای افراد فرصت کم یا زیاد باشد، انتظارات اجتماعی از افراد پایین یا بالا باشد و معناها نیز برای آنها مبهم، غیر منطقی و ناموجه باشد، هر

کدام از موارد فوق به صورت مستقل و یا در ترکیب با یکدیگر می توانند منجر به کج رفتاری شوند» تأیید می شود. البته نباید از نظر دور داشت که پدیده بزهکاری به دلیل وجوه مختلفی که داراست، لایه های گوناگون جامعه را تحت تأثیر قرار داده، به تبع آن نیز گونه های بزهکاری متعددی را می آفریند. جرایم خانوادگی (مانند ترک نفقه) یا تهدیدات و جرایم علیه تمامیت جسمانی (مانند قتل و جرح ناشی از اخاذی و سرقت) و ضد شخصیت معنوی (همچون آدم ربایی و توقیف غیرقانونی به قصد دریافت وجه) همگی نمونه ها و مواردی هستند که برآیند غیرمستقیم و شاید ناپیدای تحرک طبقاتی و وارونگی وضع اقتصادی محسوب می شوند که در جستاری دیگر می توان با رویکردی اثباتی و میدانی به بررسی مجزای هریک از آنها پرداخت.

مطالعات علمی اقتصاددانان وضعیت معیشتی جامعه ایران را بسیار ناگوار گزارش می دهد. شاید هیچ کشوری در جهان مانند ایران با این موقعیت مواجه نشده باشد. با توجه به نوع رویکرد و حساسیت هایی که وجود دارد، نشانه هایی بر بهبود شرایط مشاهده نمی شود. گرچه اعطای یارانه ها تا حدی فشار فقر را کاهش می دهد اما روند رشد تورم و کندی رشد اقتصادی مانع از بروز معنادار آثار آن می شود. تا زمانی که رویکرد اقتصادمحور با تأکید بر رشد اقتصادی و سیاست خارجی مناسب آن اتخاذ نشود، رهایی از این وضعیت ممکن نیست و تداوم وضعیت موجود می تواند به کاهش بیشتر سرمایه اجتماعی، به هم ریختگی طبقات اجتماعی، افول اخلاق، تضعیف بیشتر نهاد خانواده، کاهش شدید سطح سلامت جامعه و بهره وری و ... منجر شود و زمینه را برای گسترش و تداوم جرم فراهم کند.

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

- کتاب‌ها

۱. دانش، تاج‌زمان (۱۳۸۵). *مجرم کیست؟ جرم‌شناسی چیست؟*. تهران: کیهان.
۲. رحیمی‌نژاد، اسماعیل (۱۳۹۷). *رویکردهای نوین در جرم‌شناسی انتقادی و سیاست جنایی*. تهران: مجد.
۳. ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۹). *جرم‌شناسی خیزش‌های اجتماعی (درباره خیزش‌های اجتماعی خشونت‌آمیز حومه‌های حساس شهرهای فرانسه)*. تهران: میزان.
۴. ریمون، گسن (۱۳۷۰). *مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی، ترجمه و تحقیق سید مهدی کی‌نیا*. تهران: علامه طباطبائی.
۵. سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۶). *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)*. تهران: سمت.
۶. صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۷). *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)*. قم: آن.
۷. گروثرز، چارلز (۱۳۷۸). *جامعه‌شناسی مرتن، ترجمه زهرا کسائی*. تهران: علامه طباطبائی.
۸. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶). *جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری*. تهران: نی.
۹. معظمی، شهلا (۱۳۸۸). *بزهکاری کودکان و نوجوانان*. تهران: دادگستر.
۱۰. ملک، حسن (۱۳۸۸). *جامعه‌شناسی قشرها و نابرابریهای اجتماعی*. تهران: پیام نور.
۱۱. نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۸۹). *تقریرات جامعه‌شناسی جنایی*. تهران: شهید بهشتی.
۱۲. نیک‌گهر، عبدالحسین (۱۳۶۹). *مبانی جامعه‌شناسی*. تهران: رایزن.
۱۳. رابرتسون، یان (۱۳۷۴). *درآمدی به جامعه، ترجمه حسین بهروان*. مشهد: آستان قدس.

- مقالات -

۱۴. تقی‌پور، علیرضا و موسوی فرد، سید محمدرضا (۱۴۰۳). تعارض منافع به‌عنوان منشأ برخی جرایم در حقوق ایران با تأکید بر تجارب تقنینی در کانادا. *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ۱۵ (۳۵)، ۶۱-۸۶.
Doi: 10.22034/law.2024.56461.3269
۱۵. ابراهیمی، مهرزاد و چاکرزه‌ی، عبدالوهاب (۱۳۹۴). ارتباط میان نرخ جرم و جنایت با تورم و بیکاری در ایران. *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی*، ۴ (۲)، ۱۱۳-۱۲۷.
Doi: 20.1001.1.23221453.1394.4.2.7.7
۱۶. ابراهیمی، شهرام و صادق‌نژاد، مجید (۱۳۹۲). تحلیل جرم‌شناختی جرایم اقتصادی. *پژوهش حقوق کیفری*، ۲ (۵)، ۱۴۷-۱۷۴.
Doi: http://noo.rs/D2Wau
۱۷. باقری، نفیسه؛ عظیم‌زاده، شادی؛ مهرا، نسرين و مهدوی ثابت، محمدعلی (۱۴۰۳). کاربست سنجه‌های عدالت ترمیمی نظام حقوقی ایران در حمایت از بزه‌دیدگان جنسی زیر ۱۸ سال؛ با مدل نیاز- حقوق. *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ۱۵ (۳۴)، ۶۳-۱۱۴.
Doi: 10.22034/LAW.2023.57151.3282
۱۸. ابراهیمی مقدمیان، محمود؛ جلیلی صالح، زهرا و جلیلی صالح، فاطمه (۱۳۹۳). مطالعه علل ارتکاب جرم در میان جوانان حاشیه‌نشین شهر همدان. *دانش‌انتظامی همدان*، ۱ (۳)، ۴۵-۷۲.
Doi: https://www.magiran.com/p2231162
۱۹. اسکندری چراتی، آذر (۱۳۹۶). بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر بزهکاری نوجوانان (مطالعه موردی: نوجوانان پسر ۱۳ تا ۱۹ سال شهر آزادشهر). *تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری*، ۴ (۳۴)، ۱۸۵-۲۰۶.
Doi: http://noo.rs/JhKTK
۲۰. اعظمی مقدم، مجید (۱۳۹۰). مفهوم‌شناسی جرم اقتصادی یا فساد اقتصادی. *کارگاه*، ۴ (۱۶)، ۵۵-۸۴.
Doi: http://noo.rs/HIC8b
۲۱. تنکابنی، حمید (۱۳۹۲). موانع تحرک اجتماعی و تأثیرات آن در تحرک شغلی کارکنان سازمان‌های دولتی و پیامدهای آن. *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، ۴ (۳)، ۱-۲۳.
Doi: http://noo.rs/BO9yE
۲۲. جلائی‌پور، حمیدرضا و حسینی‌نثار، مجید (۱۳۸۸). عوامل اجتماعی مؤثر بر بزهکاری نوجوانان (مطالعه موردی شهر رشت). *جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران*، ۱ (۲)، ۴۹-۷۲.
Doi: http://noo.rs/RDKDO

۲۳. جلیلیان، مهدی و عطاءزاده، سعید (۱۳۹۳). تحلیل جرم‌شناختی جرایم اقتصادی. *پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی*. ۱۰ (۱)، ۱۲۵-۱۴۸.
Doi: <http://noo.rs/D2Wau>
۲۴. حبیب‌زاده مؤمن، بهنام و وروایی، اکبر (۱۳۹۶). واکاوی سیاست جنایی ایران در قبال جرایم یقه‌سفید. *علوم اجتماعی دانشگاه آزاد شوشتر*، ۱۱ (۳۹)، ۱۱۱-۱۲۴.
Doi: <http://noo.rs/oOn5b>
۲۵. دانش ناری، حمیدرضا؛ خسروی، پوریا و جمعه‌گی، فاطمه (۱۴۰۲). ارزیابی مفهوم طبقه اجتماعی در جرم‌شناسی انتقادی: تحلیل محتوای کیفی فیلم پل‌تفرم. *پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی*، ۱۱ (۲۱)، ۱۶۵-۱۹۴.
Doi: 10.22034/jclc.2022.337578.1680
۲۶. دانش ناری، حمیدرضا و خواجوی فخرداد، زینب (۱۴۰۳). نابرابری اجتماعی و جرم: رمزگشایی یک انقلاب در فیلم برف‌شکن. *حقوق کیفری*، ۱۵ (۱)، ۶۷-۸۳.
Doi: 10.22124/jol.2024.25671.2412
۲۷. درشتی، حنا (۱۳۹۹). نابسامانی اجتماعی و تأثیر آن بر سرقت با تأکید بر پدیده مهاجرت (مطالعه موردی: تهران بزرگ). *کارگاه*، ۱۳ (۵۰)، ۶۶-۸۶.
Doi: <http://noo.rs/L8CiO>
۲۸. زارع، بیژن و لطفی، مهوش (۱۳۹۱). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تحرک اجتماعی بین نسلی در شهر کرمانشاه. *مسائل اجتماعی ایران*، ۴ (۱)، ۱۱۳-۱۳۹.
Doi: 20.1001.1.24766933.1392.4.1.5.5
۲۹. سالاری، اسماعیل؛ معین، لادن؛ سهامی، سوسن و حقیقی، حمید (۱۳۹۲). بررسی رابطه فرهنگ مردسالاری، همسان همسری، با تعارضات زناشویی در بین دبیران و پرستاران زن متأهل. *زن و مطالعات خانواده*، ۵ (۱۹)، ۹۵-۱۱۴.
Doi: <http://noo.rs/JCt6e>
۳۰. سلیمی، صادق (۱۳۸۷). مجرمین یقه‌سفید و سیاست کیفری ایران. *مطالعات حقوق خصوصی*، ۳۸ (۴)، ۲۳۹-۲۵۴.
Doi: 20.1001.1.25885618.1387.38.4.12.5
۳۱. سهامی، سوسن؛ حسین زئی، عنایت‌اله و پرویززاده، عاطفه (۱۳۹۶). ساخت و اعتباریابی مقیاس بزهکاری چندبعدی نوجوانان و جوانان. *روش‌ها و مدل‌های روانشناختی*، ۶ (۲۹)، ۷۱-۸۶.
Doi: 20.1001.1.22285516.1396.8.29.4.3
۳۲. شاطریان، محسن؛ حیدری، رسول؛ شاطریان، محمود و دولتیاران، کامران (۱۳۹۹). مدل‌سازی و

- تحلیل عوامل مؤثر بر وقوع جرم در مناطق حاشیه‌نشین شهر کاشان. *برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۱۰ (۳۷)، ۹۱-۱۰۸. Doi: 20.1001.1.22516735.1399.10.37.7.5
۳۳. عباسی‌نژاد، حسین؛ رضایی، هادی و صادقی، مینا (۱۳۹۱)، بررسی رابطه‌ی بین بیکاری و جرم در ایران: رهیافت داده‌های تلفیقی بین استانی. *پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، ۲۰ (۶۴)، ۶۵-۸۶. Doi: <http://noo.rs/Pi4uo>
۳۴. غفاری، زهرا (۱۳۹۶). تأثیر سرمایه فرهنگی تجسم یافته‌ی ذهنی بر تحرک اجتماعی میان نسلی (مورد مطالعه: شهروندان ۳۰ تا ۵۴ ساله شهر گرگان). *توسعه اجتماعی*، ۱۱ (۴)، ۱۸۳-۲۰۶. Doi: 10.22055/qjss.2017.13011
۳۵. علی‌وردی‌نیا، اکبر؛ ریاحی، محمداسماعیل و موسوی چاشمی، سیده ملیحه (۱۳۸۶). مطالعه جامعه‌شناختی بزهکاری: آزمون تجربی نظریه فشار عمومی اگنیو. *جامعه‌شناسی ایران*، ۸ (۲)، ۷۵-۹۹. Doi: 20.1001.1.17351901.1386.8.2.4.4
۳۶. قائمی‌زاده، محمدسلیمان؛ مبارکی، محمد و محمودزاده، مرتضی (۱۳۹۶). نوسازی یا بازتولید اجتماعی (مطالعه‌ای در خصوص قشریندی و تحرک اجتماعی). *تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی*، ۹ (۷۲)، ۸۱-۱۱۴. Doi: <http://noo.rs/NKMf7>
۳۷. کلاتتری، صمد و قائمی‌زاده، محمدسلیمان (۱۳۸۱). تحرک اجتماعی و ساخت طبقاتی (مطالعه موردی شهر همدان). *جامعه‌شناسی ایران*، ۴ (۴)، ۷۶-۱۰۰. Doi: <http://noo.rs/Yb6MU>
۳۸. قهرمان‌پور، رحمان (۱۳۸۳). عوامل مؤثر بر تحرک طبقاتی در ایران. *تحقیقات حقوق خصوصی و کیفی*، ۱ (۱)، ۱۱۳-۱۴۰. Doi: <http://noo.rs/ikl5V>
۳۹. کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۷۸). الگویی در تعیین پایگاه اجتماعی- اقتصادی افراد و سنجش تحرک اجتماعی با تکیه بر مطالعه موردی در شهر تهران. *علوم اجتماعی*، ۱۱۴ (۱۴)، ۱۳۹-۱۷۲. Doi: <http://noo.rs/npTkh>
۴۰. عطاشنه، منصور و امیری، مهدی (۱۳۸۹). علل و عوامل جرم سرقت در شهر اهواز (سال‌های ۷۵ تا ۸۵). *علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر*، ۴ (۱۱)، ۱۰۳-۱۲۶. Doi: <http://noo.rs/5XRuz>
۴۱. مال میر، مهدی (۱۴۰۲). وضعیت‌سنجی ابعاد هویت ملی، قومی و طبقاتی جامعه ایران. *علوم اجتماعی*، ۳۰ (۱۰۲)، ۱-۲۹. Doi: 10.22054/qjss.2024.81283.2816

۴۲. محمدزاده، یوسف؛ تقی‌زاده، نرگس و نظریان، علمناز (۱۳۹۵). نابرابری درآمد، فقر و سلامت عمومی. *دانشکدهٔ پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران*، ۱۱ (۲)، ۲۲۰-۲۳۴.
Doi: <http://payavard.tums.ac.ir/article-1-6239-fa.html>
۴۳. مرادی، قاسم (۱۳۹۶). حاشیه‌نشینی، جرم و ناامنی. *رویکردهای پژوهشی در علوم اجتماعی*، ۳ (۱۱)، ۱۸۲-۱۹۰.
Doi: <http://rassjournal.ir> > afile
۴۴. مرادی، رضا؛ رضائی، احمد و عطاشنه، منصور (۱۴۰۰). تأثیر ساختارهای اجتماعی بر وقوع جرم. *جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ۴ (۴)، ۳۰۶۲-۳۰۷۴.
Doi: 10.30510/psi.2024.259116.1366
۴۵. مقدس، علی‌اصغر و ایران محبوب، جلیل (۱۳۸۵). طبقات و تحرک اجتماعی در فارس و بوشهر. *مطالعات اجتماعی ایران*، ۱ (۱)، ۲۰۱-۲۳۴.
Doi: 20.1001.1.20083653.1385.1.1.7.0
۴۶. مکی‌پور، ذبیح‌الله و ربانی خوراسگانی، علی (۱۳۹۲). بررسی علل اقتصادی آسیب‌های اجتماعی (با تأکید بر رابطه تورم و جرایم در ایران طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۷۰). *پژوهش‌های راهبردی/امنیت و نظم اجتماعی*، ۲ (۲)، ۷۹-۹۸.
Doi: 20.1001.1.23221453.1392.2.2.5.1
۴۷. ناییب، هوشنگ و معصومی‌راد، رضا (۱۳۹۰). عوامل فرهنگی مؤثر بر تحرک اجتماعی مردان ۳۵ تا ۶۴ ساله شهر تهران. *مطالعات جامعه‌شناختی*، ۱۸ (۳۹)، ۱-۳۴.
Doi: https://jsr.ut.ac.ir/article_56101.html
۴۸. ناییب، هوشنگ و معصومی‌راد، رضا (۱۳۹۲). عوامل اجتماعی مؤثر بر تحرک اجتماعی شغلی اعضای هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی. *راهبرد/اجتماعی و فرهنگی*، ۲ (۲)، ۱۰۳-۱۳۴.
Doi: 20.1001.1.22517081.1392.2.2.4.0
۴۹. نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین و گلدوزیان، حسین (۱۳۹۶). جرم‌شناسی پست‌مدرن و رویکرد آن به جرم و علت‌شناسی جنایی. *پژوهش حقوق کیفری*، ۶ (۲۳)، ۹-۴۶.
Doi: 10.22054/jclr.2018.22508.1429
۵۰. نوغانی دخت‌بهمنی، محسن و میرمحمدتبار، سید احمد (۱۳۹۴). بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر جرم (فراتحلیلی از تحقیقات انجام‌شده در ایران)، *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی*، ۴ (۳)، ۸۵-۱۰۲.
Doi: 20.1001.1.23221453.1394.4.3.6.8

- پایان نامه ها

۵۱. مقدس، علی اصغر (۱۳۸۱). *ساختار شغلی و تحرک اجتماعی در استان های فارس و کهکلیه و بویراحمد؛ مورد مطالعه: شهرهای شیراز و یاسوج*. پایان نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.

- کنگره ها و همایش ها

۵۲. راسخی بخشایش، ابوالقاسم (۱۳۹۵). *تحرک اجتماعی و عوامل موثر بر آن (با تأکید بر تحرک اجتماعی در ایران)*. دهمین کنگره پیشگامان پیشرفت، ۶۶-۷۵.

Doi: <https://magirans.com/id/66839>

۵۳. شفیعی، محمدسعید و شفیعی، شیرین (۱۳۹۵). *بررسی آسیب شناسانه و پیشگیرانه بزهکاری در سنین نوجوانی*. دومین کنفرانس چارسوی علوم انسانی.

Doi: <http://noo.rs/geMr1>

(ب) منابع انگلیسی

- Books

54. Breen, RI. (2004). *Social Mobility in Europe*. Oxford University Press.
55. Muncie, John (2004). *Youth and crime*. 2nd edition. London, UK: Sage Publications Ltd.
56. Marshall, G. (1998). *Oxford Dictionary of sociology*. Oxford and New York: Oxford University Press.
57. Paul E. Willis. (1977). *Learning to Labour: How Working-Class Kids Get Working Class Jobs*. New York, NY: Columbia University Press, (1977), 43.
58. Shambayati, H. (2006). *Juvenile delinquency*. Tehran: Jwbeen publication.
59. Sorokin, P.A. (1964). *Social and Cultural Mobility*. New York: Free press.
60. Walter S. DeKeseredy (2011). *Contemporary Critical Criminology*. London: Routledge , 3.

- Articles

61. Baizidi, R. (2019). Paradoxical Class: Paradox of Interest in Middle Class and Political Conservatism, *Asian Journal of Political Science* 3.
62. Daniel L; D. Dow & C. Chernoff. (2020). Class Mobility and Reproduction for Black and White Adults in the United States: A Visualization. *Socius: Sociological Research for a Dynamic World*.
63. De Graaf. Nan Dirk, Paul Nieuwbeerta & Heath. Anthony. (1995). Class Mobility and Political Preferences: Individual and Contextual Effects. Nuffield College, Article in *American Journal of Sociology* January.
64. Doyle, J. M.; Ahmad, E. & Horn, R. N. (1999). The effects of Labor Markets and Income Inequality on Crime: Evidence from Panel Data. *Southern Economic Journal*, 65 (4), 717-738.
65. Feather man, L. David. (1975). Assumptions of Social Mobility Research in the US: The Case of Occupational Status. *Social Science Research*, (4).
66. Carbone I and Steven A (2010). Race, Class, and Oppression: Solutions for Active Learning and Literacy in the Classroom. *Inquiries Journal* 1 (2), <http://www.inquiriesjournal.com/a?id=1689>.
67. Martin D. Schwartz & Walter S. DeKeseredy (2008). Interpersonal Violence Against Women: The Role of Men. *Journal of Contemporary Criminal Justice* (24), 179.
68. Merton, Robert K. (1938). Social Structure and Anomie. *American Sociological Review* (3) 672-82.
69. Richard Quinney (1973) Crime Control in Capitalist Society: A Critical Philosophy of Legal Order. *Issues Criminology* (75), 79.
70. Welsch, H. (2007). Macroeconomics and Life Satisfaction Revisiting the Misery Index. *Journal of Applied Economics*, (2), 237-251.
71. Zangeneh, M. (2004). Examining family and Social Factors Affecting Juvenile Delinquent Behaviour. Booshehr Province. *Social Sceinces Journal, Alameh Tabatabaee Univesrity*, (25).